بسم‌اللّٰه الرّحمن الرّحیم

اَلحَمدُ لِلِه رَبِّ العالَمینَ وَ صَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا وَ حَبیبِ اِلهِنا اَبِی‌القاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلّی اللهُ عَلَیْهِ وَ عَلی آلِهِ الطّاهِرِینَ سِیَّما بَقِیَّةُ اللهِ الاَعظَم مَولانَا حُجَّةِ ِبنِ الحَسَن عجّلَ الله تَعالی فَرَجَهُ وَ لَعنَةُ اللهِ عَلی اَعدائِهِم اَجمَعینَ اِلی قِیامِ یَومِ الدّین

 اَلسَّلامُ عَلَى الْمَهْدِیِّ الَّذی وَعَدَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الاُمَمَ اَنْ یَجْمَعَ بِهِ الْکَلِمَ، وَیَلُمَّ بِهِ الشَّعَثَ، وَ یَمْلاَ بِهِ الاَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً، وَیُمَکِّنَ لَهُ وَیُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنینَ

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الیَهُودَ وَ النَّصَارَی أَولِیَاءَ بَعضُهُم أَولِیَاءُ بَعضٍ وَ مَن یَتَوَلَّهُم مِنکُم فَإنَّهُ مِنهُم إنَّ اللهَ لَا یَهدِی القَومَ الظَّالِمِینَ [[1]](#footnote-1)

آیۀ شریفه در مقام ... امت اسلامی است و اینکه ایجاد رابطۀ دوستی و مودت با کفار نداشته باشند.در مقام این مطلب در مواضع متعدد در قرآن کریم آمده و مورد تأکید است یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الیَهُودَ وَ النَّصَارَی أَولِیَاءَ خطاب به اهل ایمان شمایی که باور دارید خدا و رسول را و مبدأ و معاد را و خدا و رسول خدا را ولی مطاع مطلق قبول کرده اید که اطاعتشان به طور مطلق واجب است و خودتان را در مقام انفصال امر او و فرمان او خودتان را آماده کرده اید بنابراین این فرمان از جانب خدا صادر است لَا تَتَّخِذُوا الیَهُودَ وَ النَّصَارَی أَولِیَاءَ شما که پیروان قرآنید اهل ایمانید شما حق ندارید یهود و نصاری را ولی خودتان اتخاذ کنید أَولِیَاءَ جمع ولی است ولی معانی مختلف دارد منتهی در هر جایی بر حسب قرائنِ مقالی یا قرائنِ حالی یا مقامی ما یک معنایی را که مناسب با اون مقام باشد در نظر می‌گیریم.در اینجا به تناسب مراد از ولی یعنی حامی ناصر معین دوست به این معناست که شما نباید یهود و نصاری را حامی خودتان پشتیبان خودتان تکیه گاه خودتان قرار بدهید غالبا در قرآن از یهود و نصاری تعبیر به اهل کتاب میشه ولی در اینجا تعبیر به اهل کتاب نشده احتمالا برای این باشه که اهل کتاب که تعبیر می‌شود این اشاره به این دارد که عالم به کتابند و عامل به کتاب.اهل کتاب اینجور معناش میشه دیگه مردمی که با کتاب در ارتباطند با کتاب آسمانی هم می‌دانند احکام کتاب را هم عمل می‌کنند اگر واقعا اهل یهود و نصاری اهل کتاب واقعی باشند یعنی هم عالِم به احکام کتاب آسمانی شان باشند عامل هم باشند خب کتاب آسمانی اونها را دعوت می‌کرد به امانت به صداقت وفاداری به عهد و پیمان پایبند بودن اینجور بودن که عیبی نداره اگر واقعا امین باشند صادق باشند وفادار باشند به همان کتاب آسمانی خودشان هم عمل کنند خوبه که شما با اونها پیمان داشته باشید اما تعبیر شده به یهود و نصاری یعنی اینها اینجور نیستند اسما اهل کتابند رسما اهل کتاب نیستند یعنی اینها نه آزادی دارند از مضامین کتاب آسمانی نه عمل می‌کنند اسمشان اهل کتاب هست اما در عین حال نه عامل به کتابند نه عالم به کتاب.ولذا تعبیر نشده اهل کتاب تعبیر شده یهود و نصاری که اشکال به این نداشته باشه که واقعا اهل کتابند اگر اهل کتاب بودند مسلمان هم می‌شدند کتاب آسمانی سلف بشارت داده آمدن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را با علائمش اگر اهل کتاب به معنای واقعی بودند مُسلم می‌شدند یعنی در مقابل خاتمیت هم خاضع بودند قهرا مسلم بودند امین بودند صادق بودند عیبی نداشت که با اونها رابطۀ مودت برقرار کنید ولی اینجور نیستند چون اینجور نیستند تعبیر به اهل کتاب نشده یهود و نصاری.شما حق ندارید با یهود و نصاری پیمان مودت و محبت داشته باشید یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الیَهُودَ وَ النَّصَارَی أَولِیَاءَ بَعضُهُم أَولِیَاءُ بَعضٍ اینها طرفدار خودشان هستند هر کدامشان می‌خواهند که منافع رفیق خودشان را حفظ کنند تا در جرگۀ اونها درنیایید از شما حمایت نمی‌کنند چون شما را مسلم می‌دانند و اسلام را هم سد راهشان می‌دانند در منافع مادی شان ولذا هیچوقت با شما محبت نخواهند داشت و از شما حمایت نخواهند کرد اگر بر فرض هم روی حسب ظاهر منافع مشترک سیاسی دارند اگر هم اظهار کنند این اظهارشان کاذب است ولذا به خودشان طرفدارند بَعضُهُم أَولِیَاءُ بَعضٍ تا شما را از خودشان ندانند از شما حمایت نمی‌کنند وقتی از شما حمایت کردند معلوم میشه شما از جرگۀ مسلم خارج و از اونها هستید برای اینکه اونها بَعضُهُم أَولِیَاءُ بَعضٍ یکدیگر را می‌پایند اینها منافع یکدیگر را رعایت می‌کنند شما را که از خود نمی‌دانند قهرا محبتی به شما ندارند و حمایتی هم نمی‌کنند ولذا وَ مَن یَتَوَلَّهُم مِنکُم فَإنَّهُ مِنهُم هر کدام از شما مسلمان ها می‌خواهد به آنها گرایش پیدا کند ولایت اونها را بپذیرد از اونها حساب می‌شوید ولذا در نظر من که قرآنم از جرگۀ مومنین خارج می‌شوید وَ مَن یَتَوَلَّهُم مِنکُم فَإنَّهُ مِنهُم هر کدام از شما تکیه به آنها کند از آنها حساب می‎شوید و از ما و پیروان قرآن خارج می‌شوید برای اینکه اونها هم تا شما را از خود ندانند از شما حمایت نمی‌کنند حمایت کردن شما را از خود می‌دانند وَ مَن یَتَوَلَّهُم مِنکُم فَإنَّهُ مِنهُم إنَّ اللهَ لَا یَهدِی القَومَ الظَّالِمِینَ کسی که اینجور باشه و به حمایت کفار برود ظالم است یعنی ظلم کرده خیانت کرده به اسلام و مسلمین و خدا هم راه نمی‌دهد انسانهای ظالم را به هدف نمی‎رساند لَا یَهدِی القَومَ الظَّالِمِینَ راه باز نمی‌کنند به هدفشان برسند پس این آیۀ شریفه که نهی می‌کند تحذیر می‌کند که رابطۀ مودت برقرار نکنید البته معناش این نیست که رابطۀ تجاری اقتصادی نباشه نه رابطۀ مودت و محبت و حمایت که شما را قرار بدهند اینه ولذا در سورۀ ممتحنه می‌فرماید یَا أیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَ عَدُوِّکُم أَولِیاءَ تُلقُونَ إلَیهِم بِالمَوَدَّةِ [[2]](#footnote-2)1 مسلمانان با دشمن من و دشمن خودتون به ولایت اونها درنیایید اتخاذ ولی نکنید که آنی مودت به اونها را اظهار می‌کنید تُلقُونَ إلَیهِم بِالمَوَدَّةِ در نهان با اونها مودت برقرار می‌کنید و حال آنکه وَ قَد کَفَرُوا بِمَا جَاءَکُم مِنَ الحَقِّ [[3]](#footnote-3)2 اونها نسبت به حقی که شما مومنید کافرند تُلقُونَ إلَیهِم بِالمَوَدَّةِ در پنهانی با اونها مودت برقرار می‌کنید وَ أَنَا أَعلَمُ بِمَا أَخفَیتُم وَ مَا أعلَنتُم من آگاهم از کارهای پنهانی شما و از کارهای آشکار شما وَ أَنَا أَعلَمُ بِمَا أَخفَیتُم وَ مَا أعلَنتُم وَ مَن یَفعَلهُ مِنکُم فَقَد ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِیلِ هر کدام از شما چنین کاری کند رابطۀ مودت با اونها برقرار کند تحت ولایت اونها برود از صراط مستقیم خارج شده إنْ یَثقَفُوکُم یَکُونُوا لَکُم أَعدَاءً [[4]](#footnote-4)1 اگر اونها بر شما تسلط پیدا کنند ریشۀ شما را می‌کَنند إنْ یَثقَفُوکُم یَکُونُوا لَکُم أَعدَاءً وَ یَبسُطُوا إلَیکُم أیدِیَهُم وَ أَلسِنَتَهُم [[5]](#footnote-5)2 هم با زبانشان هم با دستشان به شما صدمه می‌زنند بِالسُّوءِ اونچه بدی ها هست به شما می‌رسانند و وَوَدُّوا لَو تَکفُرُونَ و همّشان اینه که شما را هم مانند خود کافر کنند از مسیر اسلام و قرآن شما را منحرف کنند و بدانید که کفار ولو نزدیکان شما باشند ارحام شما باشند نافع به حال شما نخواهند بود و در روز قیامت از شما جدا می‌شوند اگر هم در دنیا فرضا جدا نشوند در قیامت از شما جدا می‌شوند لَن تَنفَعَکُم أَرحَامُکُم وَ لَا أَولَادُکُم یَومَ القِیَامَةِ[[6]](#footnote-6)3 نه ارحام شما نه اولاد شما هیچ نفعی به حال شما نخواهند داشت بلکه در روز قیامت بر علیه شما هم قیام خواهند کرد یَفصِلُ بَینَکُم وَ اللهُ بِمَا تَعمَلُونَ بَصِیرٌ بعد آیۀ بعد هم عذر اونها را بیان می‌کند اون کسانی که رابطۀ مودت با کفار برقرار می‌کنند پیش خود عذری دارند توجیهی می‌کنند چون هر کسی کار بدی کند یه توجیهی داره دیگه یه دلیلی اقامه می‌کند قرآن نقل می‌کند دلیل اونها را اونها چی میگن که با کفار بتونن رابطه برقرار کنن فَتَرَی الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِم مَرَضٌ[[7]](#footnote-7)4 بیمار دلانی با شتاب در میان کفار پیش می‌روند یُسَارِعُونَ فِیهِم با شتاب و سرعت خودشان را به سمت اونها می‌کِشند نزدیک اونها می‌کنند بعد یَقُولُونَ بعد منطقشان چیه؟عذری که دارند چیه؟ یَقُولُونَ نَخْشَی أَن تُصِیبَنَا دَائِرَةٌ میگه ما می‌ترسیم دنیا پر غوغاست حوادث فراوان پیش میاد می‌ترسیم دائره ای دامن ما را بگیرند دائره اونی که در مقام چرخش می‌چرخد گاهی اینجا گاهی اونجا حوادث ازش تعبیر به دائره می‌کنند حوادث وقایع مصیبتها فقرها حوادث دیگه چه بسا ممکنه حادثه ای پیش بیاد دامن ما را بگیره ما را به فقر بیفکند یا به جنگ مبتلا بشویم ناچار می‌شویم که دست دراز کنیم به قدرتمندی و از او حمایت بخواهیم ممکنه دائره پیش بیاد دامن ما را بگیره و ما اگر قصد رابطه کنیم قهرا منزوی می‌شویم و گرفتار اون حوادث می‌شویم عذر ما اینه یَقُولُونَ نَخْشَی أَن تُصِیبَنَا دَائِرَةٌ می‌ترسیم حوادثی سنگین دامن ما را بگیرد و محتاج باشیم به حمایت کسی.خب وقتی قدرتمندی در عالم هدایت می‌کند ولو کافر باشه ما ناچاریم برای حفظ خودمان به پناه اون قدرت برویم أَن تُصِیبَنَا دَائِرَةٌ این منطق قرآنه دیگه قرآن نقل کرده عذر اونها را.عذرشان اینه دلیلشان اینه که در دنیا حوادث فراوانه انسان نیاز به تکیه گاه دارد و تکیه گاه اگر قدرتمندی هست باید به پناه او برود تا مصون بماند این این عذر اونها بعد خدا جواب میده دو جواب میده یکی همین که فِی قُلُوبِهِم مَرَضٌ بیمار دلان یعنی یکی خودش بیماریه در دله بیماری بیماریه خوف و اعتقاد به خدا نداشتن. معلوم می‌شود که اینها اعتقادی به خدا ندارند خدا را کافی نمی‌دانند نه مگر خدا فرمود أَلَیسَ اللهُ بِکَافٍ عَبدَهُ [[8]](#footnote-8)5 آیا خدا کافی نیست که بنده اش را تأمین کند؟ أَلَیسَ اللهُ بِکَافٍ عَبدَهُ اگر کسی واقعا بندۀ خدا باشه خب مسلم خدا بنده اش را حفظ می‌کند.هر کسی همینجوره هر خالقی بندۀ خود را حفظ می‌کند اگر این بندۀ خدا باشه خدا صریحا فرموده أَلَیسَ اللهُ بِکَافٍ عَبدَهُ فرموده إن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم و یُثَبِّت أَقدَامَکُم [[9]](#footnote-9)1 اگر واقعا شما یار خدا باشید یعنی یار دین خدا اگر دین شما را واقعا اون چنان که گفته است نگه دارید تحریفش نکنید کم و زیاد نکنید سلیقه به کار نبرید دین را اون چنان که هست اگر اجرا کنید حتما خدا ناصر شماست.اگر از خودتان قوی پیدا بشه خودتان دین را خراب کنید اگر ناصر دین خدا باشید اون چنان که هست مو به مو عمل کنید خدا ناصر شما هست إن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم و یُثَبِّت أَقدَامَکُم مسلمه در آخر سورۀ برائت داره که فَإِن تَوَلَّوا[[10]](#footnote-10)2 اگر همۀ دنیا بر شما اعراض کنند همه بر علیه شما قیام کنند فَقُل حَسبِیَ اللهُ لَا اِلَهَ إلَّا هُوَ عَلَیهِ تَوَکَّلتُ وَ هُوَ رَبُّ العَرشِ العَظِیمِ [[11]](#footnote-11)3 بگو خدا مرا بس من نیازی به غیر خدا ندارم خدا مرا بس و او رَبُّ العَرشِ العَظِیمِ است من توکل بر هُوَ رَبُّ العَرشِ العَظِیمِ دارم یا در آیۀ دیگر وَ إِن تَوَلَّوا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللهَ مَولَاکُم [[12]](#footnote-12)4 اگر همه اعراض کردند بگو خدا مولای من است نِعمَ المَولَی و نِعمَ النَّصِیرُ [[13]](#footnote-13)5 خوب مولائیه خوب یاوریه پس این اگر بگویند ما تکیه گاه می‌خواهیم غیر خدا این بیمار دلیه.این همان کفر و نفاق درونیه به خدا اعتماد نیست و سوء ظن به خدا هست خب وقتی بنده نشد قهرا اعتماد به او نکرد خدا هم او را از خودش طرد می‌کند خب این معلومه حمایت نمی‌کند حمایت که نکرد تکیه گاه میخواد قهرا به سمت دشمن خدا می‌رود دشمن خدا هم او را می‌بلعد شکی درش نیست او منتظره یه گوسفندی از چوپان خودش دور بماند و به دامن گرگ بیفته اگر گوسفندی تابع چوپانش باشه هر سمتی که او می‌راند برود از گرگ مصونه اما اگر همین گوسفند طغیان کند سرکشی کند تابع حرف چوپان نباشه متحیر و سرگردانه.این طرف اون طرف طعمۀ گرگ می‌شود شما اگر بنا شد دین خدا را اونچنان که هست عمل نکنید اعمال سلیقه کنید آرا را به کار ببرید دین را بد نما کنید و مخروبش کنید خدا شما را طرد می‌کند.وقتی طرد کرد از آسمان به او مدد نمی‌رسد نرسید قهرا دنبال تکیه گاه می‌گرده این سمت و اون سمت چاره ای ندارد به دامن دشمن بیفتد دشمن هم منتظر لغزیدن شماست به شما رحم نخواهد کرد پس یک جواب که خدا به شما داده بیمار دلیه چون بیمار دل هستند بنده نیستند چون بنده نیستند خدا هم یاورشان نیست رهاشان کرده چون رها کرده قهرا دنبال تکیه گاه می‌گردند و به دامن دشمن می‌افتند پس این یک جواب.جواب دیگه اینکه از کجا شما می‌دانید که همیشه قدرت دست دیگران باشه یک روز که اگر قدرت دست مسلمانها افتاد مسلط شدند و شما را دیدند که از اول دروغ به اونها می‌گفتید طردشان می‌کنند شما از اونجا رانده از اینجا مانده خواهید شد برای اینکه اونها قدرت پیدا نکردن مسلمین قدرت پیدا کردند و دیدند شما را که منافق بوده اید و دروغ می‌گفتید از شما طرد می‌کنند فَعَسَی اللهُ أَن یأتِیَ بِالفَتحِ أَو أَمرٍ مِن عِندِه [[14]](#footnote-14)6 ممکنه خداوند فتح و پیروزی نصیب مسلمانها کند یا از راه دیگری قدرت به اینها بدهد فَیُصْبِحُوا عَلَی مَا أَسَرُّوا فِی أَنفُسِهِم نَادِمِینَ [[15]](#footnote-15)7 یا همین منافقین برگردند همون نیتی که در باطن داشتند ظاهر که شد پشیمان خواهند شد.حالا این آیات شأن نزولش در مورد دو نفر بوده عُبادة بن صامت بوده با عبد الله ابن ابی عباده پیش پیغمبر اکرم آمد گفت من با یهود پیمان مودت و محبت و دوستی داشته ام با اونها هم قوی اند هم عده شان زیاده نیرومندند حالا که شما نمی‌پسندید من از حالا قطع رابطه می‌کنم با اونها و تبرّی می‌جویم.اون یکی عبد الله ابن ابی سر دستۀ مخالفان بود به ظاهر اسلام داشت گفت نه یا رسول الله صلاح ما نیست که با اونها قطع رابطه کنیم هم زیادند و هم نیرومندند چون ما گرفتاری ها داریم مشکلات داریم صلاح ما نیست قطع رابطه کنیم با اونها این آیات نازل شده در این مورد که اون یکی گفت من قطع رابطه می‌کنم آیات نازل شده فرمود اینها از بیمار دلانند فرمود فَتَرَی الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِم مَرَضٌ یُسَارِعُونَ فِیهِم آیات که نازل شده این قرآن با شخص طرف نیست هیچ وقتی یعنی شخصی قرآن باهاش در بیفته اون دو نفر منظور نیستند قرآن با دو مکتب دارد سخن می‌گوید دو فکر دو برنامه این دو فکر را مطرح می‌کند این مکتب است و تفکره یک مکتب یک تفکر اینه که دیگه از بیگانه باید برید چون بیگانه دشمن است و به حمایت او نمیشه اعتماد کرد یک مکتب و یک فکر اینه خیر دنیا غوغاست پر آشوبه حوادث فراوانه تُصِیبَنَا دَائِرَةٌ حوادث فراوان دامن گیر میشه ما به تکیه گاه محتاجیم اگر تکیه به جایی نکنیم منزوی می‌شویم و متلاشی و از بین می‌رویم. این دو فکر را داره قرآن طرح می‌کند این فکر دوم را تقطعه می‌کند بعنوان همین فَتَرَی الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِم مَرَضٌ یُسَارِعُونَ فِیهِم بیمار دلان با سرعت رو به کفار می‌روند یَقُولُونَ نَخْشَی أَن تُصِیبَنَا دَائِرَةٌ منطقشان همینه که ما می‌ترسیم حوادث دامن ما را بگیره و تکیه گاه نداشته باشیم ما متلاشی می‌شویم.منتهی حالا اون راهی که نشان میده مشکل میشه دیگه راه حل اینه که بنده باشیم اگر بندۀ من واقعا بودی دین مرا اونچنان که هست شما در مجرای عمل قرار دادید من ناصر شما هستم من کافی شما هستم عبد باشید تا من هم کافی باشم أَلَیسَ اللهُ بِکَافٍ عَبدَهُ ناصر دین من باشید تا من هم ناصر شما باشم.پس عیب را در خودتان جست و جو کنید نه در طرف من. از طرف من هیچ گونه خلف وعده ای نیست إنَّ اللهَ لَا یُخلِفُ المِیعَادَ [[16]](#footnote-16)1 وَ اللهُ عَلَی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ [[17]](#footnote-17)2 و همۀ نفس ها به دست اوست همۀ اراده ها بدست اوست او در همۀ عالم هر کسی را قادر می‌کند یا عاجز می‌کند. شرطش اینه که بنده باشید و ناصر دین من باشید و بعد هم فرمود که این آیه بعدش بدانید هم اگر شما از دین ما کنار بروید مرتد بشوید هیچ لطمه ای به ما نمی‌زنید یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا مَن یَرتَدَّ مِنکُم عَن دِینِهِ فَسَوفَ یأتِی اللهُ بِقَومٍ یُحِبُّهُم وَ یُحِبُّونَهُ [[18]](#footnote-18)3 بر فرض همۀ شما هم مرتد بشوید جای شما را من پر می‌کنم جای خالی نمی‌گذارم بماند بترسم من مثلا همه رفتند و من تنها ماندم یا رسول من تنها مانده.هر که از شما از دین خودش برگرده فَسَوفَ یأتِی اللهُ بِقَومٍ خداوند می‌تواند بیاورد جای شما را پر کند هم محبّ خدا باشند هم محبوب خدا باشند فَسَوفَ یأتِی اللهُ بِقَومٍ یُحِبُّهُم وَ یُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَی المؤمِنِینَ أَعِزَّةٍ عَلَی الکَافِرِینَ[[19]](#footnote-19)4 جمعی را می‌آورم که هم به خدا محبت دارند هم خدا به اونها محبت دارد در میان خودشان رامند متواضعند فروتنند در مقابل دشمن سختگیرند خشنند و سر به پایین نمی‌آورند أَذِلَّةٍ عَلَی المؤمِنِینَ أَعِزَّةٍ عَلَی الکَافِرِینَ یُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللهِ برنامۀ مستدلشان مجاهدۀ در راه خداست وَ لَا یَخَافُونَ لَومَةَ لَائِمٍ اکثریت هم اگر اونها را به باد استهزا بگیرند ترسی از ملامت اونها ندارند ممکنه اکثریتشان قدرتمند باشند به باد استهزا هم بگیرند اقلیت را اما اینها چون مومنند مجاهدین در راه خدا هستند وَ لَا یَخَافُونَ لَومَةَ لَائِمٍ ذَلِکَ فَضلُ اللهِ یؤتِیهِ مَن یَشَاءُ پس اینها را خداوند به این صفات معرفی میکنه اون جمعیت مومنی که خدا وعدۀ یاوری به اونها داده است همین یُحِبُّهُم وَ یُحِبُّونَهُ خدا را دوست بدارند و خدا هم آنها را دوست بدارد در اثر بندگی و مجاهدۀ در راه خدا داشته باشد در میان خودشان مهربان باشند متواضع باشند در مقابل دشمن خشن باشند و سختگیر. اینها هستند مومن واقعی و منصوب از قِبَل خدا حالا در مصداق این آیه بعضی روایات داریم که مراد حضرت امیر علیه السلامه خب معلومه مصداق اجلی اوست نه اینکه آیه منحصر باشه یه قانون کلی هست هر کسی اینجوری باشه از جانب خدا منصوبه خب در میان همۀ اونها فرد اعلی و اجل حضرت علی علیه السلامه شکی درش نیست که در فتح خیبر پرچم به دست دیگران داد و رفتند و شکست خورده برگشتند فرمود لَأُعطِیَنَّ الرَّایَةَ غَداً رَجُلاً یُحِبُهُ الله و رَسُولُهُ و یُحِبُّ اللهِ وَ رَسُولَهُ کَرَّاراً غَیرَ فَرَّارٍ لَا یَرجِعُ حَتَّی یَفتَحَ اللهُ عَلَی یَدَیهِ [[20]](#footnote-20)1 فردا پرچم را به دست مردی می‌دهم چون اول پرچم را دادند دست دیگران رفتند و شکست خورده برگشتند فردا پرچم را دست فردی می‌دهم هم محب خداست و رسول و هم محبوب خدا و رسول است کَرَّاراً غَیرَ فَرَّارٍ وقتی که حمله می‌کند پشت به دشمن نمی‌کند آب به دست او خدا فتح نکند بر نمی‌گردد.بعد فردا دیدند پرچم به دست علی علیه السلام داده شده چون فردا که شد هر کدام گفتند به ما خواهد داد صبح که شد فرمود علی کجاست؟گفتند آقا چشم درد گرفته شدید زیر پایش را هم نمی‌بیند فرمود بیاورید او را.دست آقا را گرفتند چون شدیدا چشم درد مبتلا شده بود آوردنش خدمت رسول اکرم با آب دهانشان مالیدند به چشم امیر علیه السلام چشم ها باز شد و جوری که هیچ دردی در او نیست پرچم را گرفتند به مولا دادند و رفت برای جنگ خیبر و فتح خیبر که معروفه منظور این که مصداق اجلی همینه بِقَومٍ یُحِبُّهُم وَ یُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَی المؤمِنِینَ أَعِزَّةٍ عَلَی الکَافِرِینَ یُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللهِ وَ لَا یَخَافُونَ لَومَةَ لَائِمٍ ملامت کسی را هم نمی‌پذیرد تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد چنان که بالا بود از جهت در جنگ ناکثین مارقین و قاسطین دیدید که با هر سه جنگید و در مقابل ملامت ملامت گران خم نشد قامت او.هی می‌گفتند آقا با مسلمان ها نمیشه جنگید در جنگ جمل طلحه و زبیر بود و عایشه بود و گفتند مگه میشه؟بزرگان دو تا درد دارند یکی اینکه بخوان قیام کنند در مقابل دشمنی یکی هم قیام کنند بر مردمی که مقدس هستند و هی اعتراض می‌کنند اون هم مسئلۀ دیگریه.مولی المتقین علیه السلام قیام کرد در مقابل اون دشمنی که دوست داشت در دین لطمه میزد از اون طرف گرفتار اعتراض مسلمانها شد گفتند آخه چرا با زبیر بجنگیم؟زبیر مرد با شخصیتیه با ایمانیه پسر عم پیغمبر اکرمه در جنگ ها انقدر شرکت کرده با او جنگیدن با طلحه که از اصحاب پیغمبر اکرمه عایشه همسر پیغمبر اکرمه به صریح قرآن از امّهات المومنینه حالا چطور میشه جنگید؟خب همین لَا یَخَافُونَ لَومَةَ لَائِمٍ در مقابل ملامت ملامت گران ایستادن کار بسیار سختیه از اونها بیشتر مال مارقین هست که خوارج نهروان دیگه اونها مردمه نماز شب خوان بودند قاریان قرآن بودن پیشانی شان پینه بسته بود و اینها گناهان کبیره مرتکب نمی‌شدند مقابله با اینها کفره با همۀ این احوال امام در مقابل اینها ایستاد امام دید اینها با این حرف ها دارند ریشۀ اسلام را از بین می‌برند ولو به حسب ظاهر اسلام هست و نماز می‌خوانند و شب زنده داری همۀ اینها هست در مقابلشان ایستاد هر چه گفتند آقا نماز شب خوان ها را از دم شمشیر گذراندن کار درستی نیست لَا یَخَافُونَ لَومَةَ لَائِمٍ من بودم که چشم فتنه را درآوردم غیر من کسی نمی‌توانست در مقابل اونها بایسته لَا یَخَافُونَ لَومَةَ لَائِمٍ ذَلِکَ فَضلُ اللهِ یؤتِیهِ مَن یَشَاءُ حالا بعضی گفته اند راجع به سلمان هم گفته اند وقتی این آیه نازل شد یُحِبُّهُم وَ یُحِبُّونَهُ که گفتند کیه آقا اون شخص؟پیامبر اکرم دست روی سلمان گذاشت یکی از مصادیقش بود او و هموطنان او.با این پیش بینی پیغمبر اکرم فرمود ایرانی ها یه بشارتی بود دیگه که ایرانی ها کسانی خواهند بود که در راه خدا جهادها خواهند کرد دین خدا را یاری خواهند کرد یه پیش بینی بود که اینطور هم شد دیگه ایرانی ها این شرف نصیبشان شد که دربارۀ دین یاری داشتند این همه علما فضلا فقها و قهرمانان و شهدا در میان ایرانی ها پیدا شده یکی از افتخاراتشان اینه که در صحرای کربلا در لشکر عمر سعد یک ایرانی نبود اما در قیام مختار وقتی مختار خروج کرد بر علیه بنی امیه افراد زیادشان ایرانی بودن این شرفی ست برای ایرانی ها از اون اولی که به شرف اسلام مشرف شده اند با خاندان پیغمبر رابطۀ مودت برقرار کنند حالا ما به هر دوی عالم محیط نیستیم ولی از لسان وحی قرآن معتقدیم که هرگز حق مغلوب نمیشه باطل هم هیچوقت دوام نمیاره این مسلمه هم وحی قرآن داریم هم روایت معصومین داریم و هم جریان تاریخ عالم نشان میده حق اگر چه ممکنه موقتا رو به ضعف برود ولی نابود نخواهد شد باطل ممکنه موقتا جلوه ای بکند ظهوری داشته باشه ولی دوام نخواهد داشت ذَلِکَ بِأَنَّ الله هُوَ الحَقُّ[[21]](#footnote-21)1 چون ذات اقدس او حقه هر چه ارتباط با او دارد ثابته تَغَیُّر نمی‌پذیرد إنَّ البَاطِلَ کَانَ زَهُوقاً[[22]](#footnote-22)2 باطن رفتنیه این مسلمه یه آیه داریم لسان گویایی دارد در سورۀ رعد أنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَت أَودِیَةٌ بِقَدِرِهَا فَاحتَمَلَ السَّیلُ زَبَداً رَابِیاً[[23]](#footnote-23)3 آب از آسمان نازل میشه از دامن کوه سرازیر میشه سیل جوشان و خروشان توو دره ها میفته گودال ها دره ها و نهرها آب می‌گیرند به قدر ظرفیتشان چون سیل آمده با شدت آمده قهرا دشت و بیابان هم آلودگی دارد کثافات دارد از جا کَنده می‌شوند با سیل حرکت می‌کنند روی دوش سیل هم سوار می‌شوند مردم ظاهر بین وقتی نگاه می‌کنند همه جا را خس و خاشاک می‌بینند آب نمی‌بینند چون سیل آب زیر خس و خاشاک مانده خس و خاشاک کف روی آب آمده دیگه هر چه مردم ظاهر بین می‌بینند خس و خاشاک می‌بینند میگن دیگه فاتحۀ آب خوانده شد آبی در کار نیست هر چه هست همین خس و خاشاکه ولی مردم واقع بین می‌دانند هر چه که هست آبه این خس و خاشاک هم با حرکت آب به جنبش درآمده اند روی دوش سیل سوارند چندی نمی‌گذرد نسیم می‌وزد آفتاب می‌تابد این کف می‌پوسند و خس و خاشاک هم می‌خشکند و از یمین به یسار می‌پرند

فَأَمَّا الزَّبَد فَیَذهَبُ جُفَاءً[[24]](#footnote-24)1 کف از بین می‌رود وَ أَمَّا مَا یَنفَعُ النَّاسَ فَیَمکُثُ فِی الأرضِ [[25]](#footnote-25)2 چون آب نافع به حال مردمه در دل زمین می‌نشیند و زمین را زنده می‌کند میوه های فراوان و گل و لاله و ریحان تحویل انسانها می‌دهد زَبَد در قرآن یعنی خس و خاشاک رَابِی یعنی بالا آمده فَأَمَّا الزَّبَد فَیَذهَبُ جُفَاءً ، فَاحتَمَلَ السَّیلُ زَبَداً رَابِیاً یعنی روی دوش خودش حمل کرده برداشته خس و خاشاک را. زَبَد می‌رود ولی آب باقی می‌ماند کَذَلِکَ یَضرِبُ اللهُ الحق و الباطل [[26]](#footnote-26)3 مثال می‌زند حق و باطل را تشبیه به آب زَبَد کرده یعنی همیشه در هر زمان سیل و زَبَد با هم آویخته اند ممکنه باطل حق را موقتا بپوساند اما عاقبت باطل ریشه کن میشه و آب باقی می‌ماند ولذا می‌بینید که در سیل جهان در احقاق حق اونچه که افتاده محفوظ می‌ماند مادر موسی کودک نوزادش را در مسیر انداخته وَ أَوحَینَا إلَی أُمِّ مُوسَی [[27]](#footnote-27)4 به او وحی کردیم بچه را شیر بده اگر نگران شدی که نکند به او ضرر برسانند در دیا بیافکن فَإِذَا خِفتِ عَلَیهِ فَأَلقِیهِ فِی الیَمِّ وَ لَا تَخَافِی وَ لَا تَحزَنِی إنَّا رَادُّوهُ إلَیکِ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ المُرسَلِینَ [[28]](#footnote-28)5 بدان در این مسیر هر که افتاد خود عالم بزرگش می‌کند پرورشش می‌دهد به خودش برمی‌گرداند ولذا برگشت موسی علیه السلام را چون مادرش برای رضای خدا اتصال امر خدا خود عالم اونو بزرگش کرد و به دامنش برگرداند.شما هم هر چه در این راه از دست بدهید از بین نخواهد رفت به شما برمی‌گردد بهتر و کاملتر. وَ مَا تُقَدِّموا لِأنفُسِکُم مِن خَیرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللهِ هُوَ خَیراً وَ أعظَمَ أَجراً [[29]](#footnote-29)6 اونچه در راه خدا می‌دهید بهترش به شما برمی‌گردد و برای ما محسوسه امام حسین علیه السلام و اصحابش اینها یک روز در کربلا محصور شدن دیگه راه ها را بستند به روی آنها که دیگه هیچ راهی نداشتند و اما در اثر همون یک روز محصور شدن الان می‌بینید هزار و چهارصد سال از اون روز گذشته اینکه تمام دنیا در اختیار امام حسین علیه السلام است دل و جان مردم دربست در اختیار امام حسین علیه السلام است یک روز راه ها را بستند دیگه ولی الان همۀ راه ها به روی آنها باز است و عزت امام حسین دنیا را فرا گرفته یک روز آب را بستند یک قطره آب دادن هم مضایقه کردند ولی امروز می‌بینید که این همه ثروت و مال و اراده و اخلاص به آستان اقدس امام حسین عرضه می‌شود چون برای خدا صبر کردن که آب نخورند صبر کردن یک قطره آب به اونها ندهند چهارده قرن است که می‌گذرد این همه افکار و اموال مردم و وقف ها و بدن ها همه صرف امام حسین علیه السلام می‌شود یک روز برای خدا حاضر شدن سراپرده شان سوخت آتش گرفت ولی الان می‌بینید که همۀ خانه های ما مردم سراپردۀ امام حسین است خانه های ما عزاخانۀ امام حسین است این همون مصداق اینه فَأَمَّا الزَّبَد فَیَذهَبُ جُفَاءً وَ أَمَّا مَا یَنفَعُ النَّاسَ فَیَمکُثُ فِی الأرضِ مصداق روشنیه یعنی یزید و اصحابش یزید زَبَد بودند خس و خاشاک بودند یه مَکث موقتی داشتند رفتند چون نافع به حال مردم نبودند شهوت خودشان را می‌خواستند و حیات ابدی انسان را فدای شهوت خودشان می‌خواستند بکنند ولذا سیلی خوردند از دست روزگار پوسیدند و رفتند اما حسین علیه السلام و یارانش چون نافع به حال مردم بودند واقعا برای حیات ابدی مردم قیام کردند برای حفظ گوهر ایمان که حیات بخش ابدیه خود را فدا کردند امروز می‌بینید در جان و دل مردم نشسته است و میوه و محصور خود را هم می‌دهند هر چه فضائل اخلاق است و مکارم اوصاف است و همه زیر پرچم امام حسین علیه السلامه اونجا پخش می‌شود به همه جا می‌رسد حتی قرآن زیر پرچم امام حسین علیه السلام احیاء می‌شود واقعا اگر چنانچه فقط یه پرچم قرآن باشه مردم نمی‌روند خیلی عدۀ کمی می‌روند اما همین که پرچم امام حسین برافراشته شد همه می‌آیند عالم و جاهل و بزرگ و کوچیک و مرد و زن هرچه هست زیر این پرچم اجتماع می‌کنند و هر چه مواعظ و نصایح و معارف هست زیر این پرچم به عالم می‌رسد فَأَمَّا الزَّبَد فَیَذهَبُ جُفَاءً ولذا مرگ تاخت بر حسین علیه السلام و یارانش اون چنان شدید که مردانشان کشته شدند زن هاشان به اسیری افتادند اما اون تاج عزت و کرامت را حفظ کردند کودکان امام حسین یتیم شدند اما لقمه ای صدقه نخوردند خواهران امام حسین دختران امام حسین زینت زیور آلات خود را از دست دادند اما تاج عزت و کرامت خودشان را نگه داشتند به همین جهت می‌بینید که زبانشان به روی دشمنانشان دراز بود اونها را تهدید و تقطعه می‌کردند اما دشمن نمی‌توانست اونها را توهین کند ولذا می‌بینیم که یک زن مصیبت زده خواهر امام حسین علیه السلام وارد میشه به مجلس ابن زیاد دیگه اونی که فرماندار و استاندار مقتدر کوفه است آدم کشتن از آب خوردن براش راحت تر است.در اون موقع که کسی یارایی صحبت ندارد امام زینب علیه السلام درسته اسیر کرده اند خب بله شیر را به زنجیر می‌کشد ولی شیر در عین حال همین شیره

عار نبود شیر را از سلسله نیست ما را از قضای حق گِله

ممکنه به زنجیر بکشند شیر را ولی در عین حال شیره.درسته اسیرش کرده اند اما اون کوه وقار کوه متانت کوه شجاعت و شهامت وقتی وارد مجلس شد حضار را متحیر کرد خود پسر زیاد متحیر شد سوال کرد مَن هذِهِ المُتَکَبِّره؟ خب در اون غوغا یک زن وارد بشود خیلی هم چشمگیر نخواهد بود اما در عین حال وقتی با وقار و متانت وارد شد چون بُرده اند با اختیار که نمی‌رفت حالا که آمد با یک دنیا وقار و متانت و جلالت وَ عَلَیها أرذل و ثیابها لباسهای کهنه ام بر تن دارد لباس اسارت بر تن داشت ولی با یک دنیا جلالت وارد شد که پسر زیاد گفت که عجیبه مَن هذِهِ المُتَکَبِّره؟ این زن متکبر که بود؟ که بی اعتنا وارد شد در گوشه ای هم نشست حالا گردن خم کند و اظهار ذلت کند در پایین بنشیند مستقیما رفت در صدر مجلس اونجا نشست و خانومها هم دور او را گرفتند. سوال کرد که بود این زن متکبر که بی اعتنا وارد شد و سلامی هم نکرد؟سلام بر کفار نمیشه که سلام بر مسلمین جایز هست.خود سلام نکردن نهی از منکره یعنی شما را مسلمان نمی‌دانم که بود این متکبره؟ اول کسی جواب نداد. بار دیگر سوال کرد جواب ندادند بار سوم یکی از خانومهایی که نشسته بود گفت هذِهِ زینب بنت فاطمه بنت رسول الله به این عبارت معرفی کرد گفت این زینب دختر فاطمه دختر پیغمبر اکرم است.این خودش سر پوش بود یعنی خجالت بکشید شما.شما بقول خودتان میگید ما جای پیغمبر نشسته ایم و دارید دین پیغمبر را اجرا می‌کنید.این دختر دختر پیغمبره.بعد وقتی که شناخت بنا کرد زخم زبان زدن دشمن هست و قدرت دارد و بعد هم گفت خدا شما را رسوا کرد و بعد هم کشت و دروغ شما را اظهار کرد و اینها اینجا دختر امیر علیه السلام به تکلم درآمد یک جملۀ کوتاه بیچاره اش کرد که نتوانست جوابش را بدهد إنَّمَا یَفتَضِحُ الفَاسِق وَ یَکذِبُ الفَاجِرُ وَ هُوَ غَیرَنَا[[30]](#footnote-30)1 دروغگو آدم فاجر است و رسوا انسان فاسق است و او غیر ماست بحمد الله یعنی اون دروغگو تو هستی که فاجری و رسوا شما هستید که فاسقید جوابی نداشت بدهد جز اینکه تهدید به قتل کرد این نشان عجزه بیچارگیه خب هر قدرتمندی میتونه اینو بگه دیگه اما جواب منطقی اینه این کوبنده است إنَّمَا یَفتَضِحُ الفَاسِق وَ یَکذِبُ الفَاجِرُ وَ هُوَ غَیرَنَا در مجلس یزید که تشکیل داده بود به جنایات بشر سوز خودش اغرار می‌کرد اشعاری گفت و کارهایی کرد همونجا هم زینب کبری علیه السلام ایستاد خطابه ای داغ و پر شور القاء کرد در اونجا.اونجایی که همه می‌گفتند یا امیر المومنین ای کسی که انقدر بزرگه یا امیر المومنین واقعا دارم فکر می‌کنم که با گفتن یا امیر المومنین اون را بادش می‌کردند خیلی باد به دماغ می‌افکند ولی زینب علیه السلام مانند یه سوزنی که به بادکنک بزنن همینجور شد همه گفتند یا امیر المومنین ولی زینب علیه السلام فرمود یا یَزید أظَنَنتُ یا یَزید خب این خیلی مهمه اونجا که همه میگن یا امیر کسی اینجوری اسمت را ببرد یعنی برات اهمیت قائل نیست أَظَنَنتُ یَا یَزِیدُ حَیثُ أَخَذتَ عَلَینَا أقطَارَ الارضِ وَ آفَاقَ السَّمَاءِ فَأَصبَحنَا نُسَاقُ کَمَا تُسَاقُ الأَسرَاءُ أَنَّ بِنَا هَوَاناً عَلیهِ وَ بِکَ عَلیهِ کَرَامَةً یزید تو خیال می‌کنی که راه ها را به روی ما بسته ای و ما را به اسارت درآورده ای ما خار شده ایم تو بزرگ شده ای تو اشتباه می‌کنی می‌بینم الان باد به دماغ افکنده ای این جملات هست می‌بینم الان باد به دماغ افکنده ای و گردنت را روی شانه هایت با کبر می‌چرخانی و خیلی خوشحالی که مملکت به دست تو افتاده کارها به کامت گشته ولی فراموش نکن این آیه را وَ لَا یَحسَبَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّمَا نُملِی لَهُم خَیرٌ لِأنفُسِهِم إنَّمَا نُملِی لَهُم لِیَزدَادُوا إثماً [[31]](#footnote-31) خدا در قرآن هم فرموده به مردم کافران مهلت می‌دهیم این مهلت خیال نکنند به نفع اونهاست مهلت داده ایم که هر چه می‌خواهند حکومت بکنند تا برای جهنم آماده بشوند الان می‌بینم داری آرزو می‌کنی کاش نیاکانت بودند و پیروزی تو را می‌دیدند ولی به همین زودی می‌گویم ملحق به اونها خواهی شد و آرزو خواهی کرد که ای کاش زبانت لال می‌شد و دستت می‌خشکید و چنین کاری نمی‌کردی و چنین سخنانی نمی‌گفتی.آخرش هم فرمود که من بسیار متأثرم چه کنم مصیبت وادارم کرده با تو هم سخن بشوم ولی تو همچنان از نظرم پست و فرومایه ای. من تو را قابل نمی‌دانم که با تو سخن بگویم ولی مصیبتها وادارم کرده باید افشاء اسرار بشود اون چه که واقع شده بگویم به همین زودی می‌پیوندی به همون کسی که تو را بر گردن مسلمین سوار کرده او خواهد دید که چه عاقبت شومی مبتلا شده و تو هم به همون عاقبت مبتلا خواهی شد.خب اینجا هم باز جوابی نداشت بده الا اینکه می‌خواست به جنایتش بیافزاید دست بر خیزران برده مقابل چشم بچه های امام حسین مقابل امام سید الساجدین و خواهرانش کاری کرد اینجا هم زینب علیها السلام برای اینکه باز بیشتر بکوبد بر گریبان چاک زد بنا کرد گریه کردن همین گریه ها افشاء کرد اسرار را و بیچاره کرد یزید و یزیدیان را

صَلّی الله علیک یا مَولانا یا ابا عبدالله الحسین صَلَّی الله علیک و علی الارواح التی حلت بفنائک

خدایا همۀ ما را بیامرز.

ما را در زمرۀ محبین امام حسین محسوب بفرما.

حسن عاقبت به همۀ ما عنایت بفرما

رحم الله من قرء فاتحة مع الصلوات

1. . سورۀ مائده، آیۀ 51 [↑](#footnote-ref-1)
2. 1.سورۀ ممتحنه، آیۀ 1 [↑](#footnote-ref-2)
3. 2.همان [↑](#footnote-ref-3)
4. 1. سورۀ ممتحنه، آیۀ 2 [↑](#footnote-ref-4)
5. 2.همان [↑](#footnote-ref-5)
6. 3. سورۀ ممتحنه، آیۀ 3 [↑](#footnote-ref-6)
7. 4. سورۀ مائده، آیۀ 52 [↑](#footnote-ref-7)
8. 5. سورۀ زمر، آیۀ 36 [↑](#footnote-ref-8)
9. 1. سورۀ محمد، آیۀ 7 [↑](#footnote-ref-9)
10. 2. سورۀ توبه، آیۀ 129 [↑](#footnote-ref-10)
11. 3. همان [↑](#footnote-ref-11)
12. 4. سورۀ انفال، آیۀ 40 [↑](#footnote-ref-12)
13. 5. همان [↑](#footnote-ref-13)
14. 6. سورۀ مائده، آیۀ 52 [↑](#footnote-ref-14)
15. 7.همان [↑](#footnote-ref-15)
16. 1.سورۀ آل عمران، آیۀ 9 [↑](#footnote-ref-16)
17. 2. سورۀ آل عمران، آیۀ 189 [↑](#footnote-ref-17)
18. 3. سورۀ مائده، آیۀ 54 [↑](#footnote-ref-18)
19. 4.همان [↑](#footnote-ref-19)
20. 1.الارشاد، ج 1، ص 63 [↑](#footnote-ref-20)
21. 1.سورۀ حج، آیۀ 62 [↑](#footnote-ref-21)
22. 2. سورۀ اسراء، آیۀ 81 [↑](#footnote-ref-22)
23. 3. سورۀ رعد، آیۀ 17 [↑](#footnote-ref-23)
24. 1. سورۀ رعد، آیۀ 17 [↑](#footnote-ref-24)
25. 2. همان [↑](#footnote-ref-25)
26. 3. همان [↑](#footnote-ref-26)
27. 4. سورۀ قصص، آیۀ 7 [↑](#footnote-ref-27)
28. 5.همان [↑](#footnote-ref-28)
29. 6. سورۀ مزمل، آیۀ 20 [↑](#footnote-ref-29)
30. 1.مثیر الأحزان، ج1، ص 90 [↑](#footnote-ref-30)
31. .سورۀ آل عمران، آیۀ 178 [↑](#footnote-ref-31)